

تحلیلی بر ادراکات بهره‌برداران مرتعی از حکمرانی مشارکتی در مراتع (مطالعه موردی: مراتع شهرستان آق‌قلا استان گلستان)

- ❖ **سیده خدیجه مهدوی؛** استادیار گروه منابع طبیعی، واحد نور، دانشگاه آزاد اسلامی، نور، ایران.
- ❖ **مائده یوسفیان*؛** استادیار پژوهشی، بخش تحقیقات جنگل‌ها و مراتع، مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان مازندران، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، ساری، ایران.
- ❖ **محمدرضا شهرکی؛** کارشناس ارشد اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان گلستان، گرگان، ایران.
- ❖ **رضا اورمرز؛** کارشناس ارشد اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان گلستان، گرگان، ایران.

چکیده

نیاز به تمرکززدایی دولت در سطوح محلی می‌تواند تضمینی برای مشارکت بهره‌برداران مرتعی باشد. در همین راستا تحقیق حاضر به تحلیل ادراکات بهره‌برداران مرتعی از حکمرانی مشارکتی در مراتع اینچاه‌شوره‌زار استان گلستان پرداخته است. تحقیق از نوع توصیفی بوده که به روش پیمایشی انجام شد. جامعه آماری آن را ۱۲۰ بهره‌بردار تشکیل داده‌اند که ۹۲ نفر از آن‌ها به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. پرسشنامه ابزار اصلی جمع‌آوری اطلاعات بود که حکمرانی مشارکتی با ۳۲ گویه در قالب ۹ مؤلفه ارزیابی شد. به طوری که روایی پرسشنامه از طریق کارشناسان و پایایی آن با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ به دست آمد. محاسبات آماری بر اساس نرم‌افزار SPSS25 صورت گرفت. نتایج نشان داد، شاخص‌های «اجرا» و «حل تعارضات» با بیشترین مقدار و دو شاخص «برنامه‌ریزی» و «هماهنگی» با کمترین مقدار به ترتیب در بالاترین و پایین‌ترین سطح شاخص حکمرانی در مراتع قرار گرفتند. از طرفی، با توجه به میانگین به دست آمده در شاخص حکمرانی مرتع (۳/۵۸)، تمایل حکمرانی به سمت مدیریت جامعه‌محور می‌باشد. بین متغیرهای سابقه دامداری، تعداد دام، سن، میزان درآمد سالانه با تمایل به حکمرانی در مرتع رابطه مثبت و معنی‌داری وجود داشت. با توجه به نتایج به دست آمده و همچنین جایگاه و اهمیت حکمرانی مراتع، دخالت دادن بهره‌برداران در تهیه و تدوین طرح‌ها و پروژه‌های مرتعی و استفاده از دانش غنی بومی آن‌ها، برگزاری دوره‌ها و کلاس‌های آموزشی در راستای فعالیت‌های مشارکتی بهره‌برداران با اداره منابع طبیعی و آبخیزداری به عنوان نماینده دولت، از جمله مهم‌ترین پیشنهادات تحقیق حاضر می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: حاکمیت، دولت، ذینفعان، مشارکت، مدیریت پایدار، آق‌قلا.

۱. مقدمه

مدیریت و بهره‌برداری اصولی از مراتع با توجه به برنامه‌ها و سیاست‌های مختلف دولتی دارای چالش‌ها و مشکلاتی بوده است [۱۱]. علاوه بر سیستم‌های طبیعی، مدیریت منابع طبیعی با فاکتورهای مختلفی همچون بهره‌برداران و منافع و علائق آنان مواجه است. حال با توجه به مشکلات ناشی از تجارب برنامه‌های موجود در عرصه‌های منابع طبیعی، ضرورت بهبود روش‌های برنامه‌ریزی و تجربه روش‌های نو به ویژه در امر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی وجود دارد [۳۱]. جوامعی که در عرصه‌های طبیعی زندگی می‌کنند در مرکز گفتمان سیاست حاکم بر منابع طبیعی قرار دارند [۳۶]. از این رو ادراکات محلی نقش مهمی در ترویج پاسخ‌های جمعی به مدیریت پایدار منابع طبیعی ایفا می‌کند [۲۳]. کنترل سریع تخریب اکوسیستم‌های مرتعی نیازمند تلاش‌های هماهنگ در مدیریت این منابع است که تنها از طریق درک عمیق از تعاملات انسان و مراتع، و نتایج پایداری آن‌ها ممکن می‌شود [۲۶ و ۴۲].

یکی از مباحث بسیار مهم که از دهه ۱۹۸۰ به بعد در ادبیات توسعه مطرح شده، موضوع حکمرانی است که در حال حاضر به ویژه در کشورهای در حال توسعه در راستای استقرار و نهادینه‌سازی جامعه مدنی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است [۶۳]. حکمرانی درباره نحوه تعامل دولت و سازمان‌های اجتماعی با یکدیگر و نحوه ارتباط این سازمان‌ها با شهروندان و اتخاذ تصمیمات مشترک است [۶۵]. با این حال معنای ساده حکمرانی، فرآیند تصمیم‌گیری و رویکردی است که به وسیله آن، تصمیمات اجرا می‌شوند [۵۱]. در واقع حکمرانی، مجموعه سنت‌هایی است که تصدی‌گران در چارچوب آن‌ها بر نهادهای مختلف اعمال قدرت می‌نمایند [۱۵]. در مدیریت منابع طبیعی نیز حکمرانی شامل سازوکارها، فرآیندها و نهادهایی است که بهره‌برداران حقوق قانونی خود را مطالبه کرده، با تعهدات خود آشنا شده و در مورد تفاوت‌ها یا اختلافات با یکدیگر مواجه می‌شوند [۵۱]. بر این اساس، استفاده پایدار از منابع

طبیعی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی، به کانون اصلی حاکمیت منابع تبدیل شده است [۴۹ و ۶۲]. در این فرآیند عوامل نهادی، اجتماعی و سیاسی در حکمرانی منابع طبیعی مهم بوده و به عنوان هنجارها، نهادها و فرآیندهایی که تعیین می‌کنند که چگونه قدرت و مسئولیت‌ها بر منابع طبیعی اعمال شود، چگونه تصمیم‌گیری‌ها انجام شده و چگونه ذینفعان در آن مشارکت کرده و از آن بهره می‌برند [۱ و ۲۸].

در دهه اخیر، حکمرانی به عنوان یک عامل حیاتی و تعیین‌کننده در جهت توسعه پایدار و مدیریت و حفاظت از منابع طبیعی شناخته شده است. طوری که حکومت‌ها به طور قابل توجهی در اثربخشی حفاظت این عرصه‌ها و نقش آن بر رفاه انسان‌ها تأثیر دارند [۵۵]. به عنوان مثال، تحقیقات نشان می‌دهد که حکومت‌ها عاملی حیاتی در حمایت محلی از طرح‌های حفاظتی هستند و این حمایت به نوبه خود بر اثربخشی حفاظت ضرورت دارد [۱۱] و [۱۲]. در همین راستا تمرکززدایی به عنوان یکی از راهبردهای حاکمیتی است که برای حفاظت از منابع طبیعی از جمله مراتع [۲۴]، به دنبال انتقال قدرت از دولت‌ها به مردم محلی [۵۷] و واگذاری مسئولیت‌ها از دولت به گروه‌های ذینفع محلی می‌باشد [۱]. تمرکززدایی را می‌توان رویکردی برای فعال کردن حمایت از سیاست‌های توسعه ملی با شناخت بهتر آن‌ها در سطح محلی دانست [۱]. بر اساس گزارش بانک جهانی، تمرکززدایی مدیریت منابع طبیعی موجب انتقال حکمرانی به ذینفعان در سطح محلی شده و طیفی از نتایج مثبت از جمله پایداری اکولوژیکی و کاهش فقر را ایجاد می‌کند [۳ و ۴]. در واقع عملیاتی‌سازی تمرکززدایی شامل مدیریت منابع مبتنی بر جامعه، به صورت مدیریت مشترک دولت و جوامع محلی است [۴۴ و ۵۲]. ناموفق بودن حاکمیت منابع طبیعی در حفاظت از منابع را به دو دلیل، یکی مشکل تمرکززدایی قدرت از سطوح بالاتر به سطوح پایین‌تر محلی است که در آن انتقال سلسله مراتبی قدرت به سطح محلی قدرت تصمیم‌گیری را کاهش می‌دهد؛ و

گروه‌های محلی به‌عنوان پیش‌نیاز مهم برای اثربخشی تمرکززدایی دیده می‌شوند [۱]. حکمرانی مشارکتی می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای دستیابی توافقی قابل قبول‌تر، غنی‌تر و تصمیمات تاب‌آورتر دیده شود و فرآیند تصمیم‌گیری منعطف که برای مشارکت دیدگاه‌ها و ذینفعان مختلف باز است را تشویق کند [۳۷]. به بیان دیگر، این حکمرانی را می‌توان به‌عنوان هماهنگی و انسجام میان ذینفعان با منافع و اهداف مختلف در نظر گرفت [۶۴]. در همین راستا تحقیقات و مطالعات متعدد داخلی و خارجی صورت گرفته است که هر یک از آن‌ها زوایای مختلفی از حکمرانی مشارکتی را در عرصه‌های منابع طبیعی مورد بررسی قرار داده‌اند که خلاصه‌ای از آن‌ها در جدول ۱ به آن اشاره شده است.

رویکرد حاکمیت مشارکتی به دنبال افزایش مسئولیت‌پذیری در تصمیم‌گیری، بهبود مدیریت منابع طبیعی، افزایش شفافیت و دسترسی به اطلاعات، می‌باشد [۱۸، ۲۲، ۳۸ و ۶۱]. از این رو اقدامات حکمرانی مشارکتی مطلوب، باید منجر به افزایش دسترسی به اطلاعات، مسئولیت‌پذیری و در نهایت تصمیم‌گیری آگاهانه‌تر در مدیریت منابع طبیعی شود [۱۶ و ۲۰]. مطالعات نشان داده‌اند که مکانیسم‌های مشارکتی عمده‌تاً در پاسخ به اختلافات یا برای جلوگیری از آن‌ها [۱۰]، برای سازگاری با مقررات ملی [۴۵]، یا برای جلوگیری از آسیب‌های احتمالی ذینفعان [۲۱] ایجاد می‌شوند. در همین راستا آکونا (۲۰۱۵) معتقد است که مدیریت مشارکتی باعث کاهش تعارضات و بهبود روابط طرفین می‌شود [۲].

علیرغم گستردگی ذینفعان در استفاده از اراضی مرتعی به ویژه بهره‌برداران، نقش آن‌ها در حکمرانی متفاوت است. به‌عنوان مثال در برخی موارد، برخی از اجرای قوانین حمایت کرده و برخی دیگر نیز به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به تضعیف آن‌ها ادامه می‌دهند [۴۱]. مدیریت منابع طبیعی در سطوح محلی، اصولاً باید توسط ذینفعان محلی، بر اساس رسیدگی به مسائل اجتماعی و محیط‌زیستی صورت گیرد [۴۰].

دوم سازماندهی افراد در زمینه مناسب برای مشارکت مؤثر آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها، مرتبط می‌داند [۵۰]. محدودیت‌های مالی دولت [۳۹] و نگرانی در مورد توانایی دولت‌های مرکزی برای مدیریت منابع طبیعی نیز به روشی پایدار و عادلانه، منجر به تأملاتی در مورد چگونگی انتقال حکمرانی و مدیریت منابع طبیعی به سطح جامعه محلی شده است [۱۳].

مشارکت به‌عنوان رکن اصلی حکمرانی دستور کار ۲۰۳۰ برای تطبیق اهداف و شاخص‌های جهانی در سطوح منطقه‌ای و محلی در نظر گرفته شده است [۲۵ و ۵۴]. برای دولت‌ها، مشارکت ابزاری استراتژیک در طراحی سیاست است؛ به ویژه زمانی که به مسائل چندبُعدی و بین‌بخشی پرداخته می‌شود [۸]. از این رو، مشارکت در تمرکززدایی دولت‌هایی که مکانیسم‌های مشارکتی را برای بهبود حکومت و ارائه خدمات دنبال می‌کنند از اهمیت به‌سزایی برخوردار است [۴۸ و ۵۸]. نیاز به تمرکززدایی دولت در سطح محلی نیز برای تضمین مشارکت عمومی مهم تلقی می‌شود [۲۹ و ۵۰]. بنابراین مشارکت عمومی می‌تواند هم هدف و هم وسیله‌ای برای تمرکززدایی مؤثر باشد. زمانی که تمرکززدایی یک هدف باشد، با نزدیک‌تر کردن دولت به مردم، فرصت‌هایی برای مشارکت ایجاد می‌کند [۱]. مردم از طریق کنش جمعی و فشار به افراد دارای قدرت، ترجیحات خود را ابراز داشته که وظایف خود را انجام دهند [۴۸]. همچنین تمرکززدایی، مشارکت را در سطح محلی تسهیل نموده و می‌تواند تضاد و تعارضات اجتماعی را کاهش دهد [۱۴].

مشارکت و ادغام سیستم‌های مدیریت محلی و متمرکز را می‌توان به‌عنوان تداومی از تقسیم قدرت و مسئولیت بین سازمان‌های دولتی و جوامع محلی دانست [۱۷]. به طوری که در آن ذینفعان دولتی و غیردولتی تنها در صورت همکاری با یکدیگر می‌توانند به یک هدف خاص دست یابند [۹]. این امر نشان‌دهنده تغییر از رویکرد دوقطبی است که در آن دولت و جامعه با یکدیگر مخالفت می‌کنند و دولت نقش محرکی را ایفا می‌نماید [۵۳]. لذا،

جدول ۱. خلاصه‌ای از تحقیقات مرتبط با حکمرانی مشارکتی

منبع	عنوان پژوهش	خلاصه‌ای از نتایج
[۶۵]	درخواست حکمرانی مشارکتی و پایداری منابع آب	بر اساس نتایج به دست آمده، مواردی همچون درخواست مشارکت، انصاف، پاسخگویی، ادراک تغییرات اقلیمی و بینش مشارکت‌جو به عنوان ابعاد حکمرانی مشارکتی معرفی شدند.
[۴۷]	الگوی حکمرانی مشارکتی توسعه انرژی تجدیدپذیر ایران	دولت، با وضع قوانین تشویقی و تضمینی، انگیزه سرمایه‌گذاری را ایجاد کرده است؛ اما برخی از موانع نهادی، هنجاری و شناختی، مانند تضاد منافع، عدم تعهد دولتمردان و عدم اعتماد بخش خصوصی موجب کاهش سرعت توسعه شده است.
[۲۷]	رابطه حکمرانی مشارکتی و سیاست‌گذاری شهری با رویکرد شایسته سالاری	حکمرانی مشارکتی با در نظر گرفتن شایسته سالاری می‌تواند باعث کارایی بیشتر سیاست‌گذاری شود.
[۶۴]	طراحی مدل حکمرانی مشارکتی با رویکرد ترکیبی	نتایج منجر به شناسایی شاخص‌های زمینه سیستم، عوامل مؤثر بر مشارکت، مشارکت، تسهیل‌گر مشارکت و دستاوردهای مشارکت شد.
[۵۹]	نهادهای محلی، دینفعان و حکمرانی منابع طبیعی	یافته‌ها نشان می‌دهد که اگرچه حکمرانی مشارکتی مهم است، اما مواردی همچون عدم مشارکت در تصمیم‌گیری، انتشار اطلاعات، شفافیت، اعتماد و مسئولیت‌پذیری، روابط قدرت، منافع واگرا و دسترسی نابرابر به منابع طبیعی مانع اجرای آن در مدیریت منابع می‌شود.
[۳۶]	نقش مشارکت محلی در حکمرانی منابع طبیعی	سیاست‌ها و شیوه‌های از بالا به پایین برای مشارکت شهروندان و جوامع محلی در حکمرانی منابع طبیعی باعث عدم تعادل قدرت تصمیم‌گیری و کاهش تقویت فرآیندهای عادلانه اجتماعی می‌گردد.
[۴۹]	تغییر اشکال مشارکت جوامع در حکمرانی منابع طبیعی	بر اساس مطالعه صورت گرفته، منافع متنوع و رو به افزایش در منابع طبیعی باعث شده است تا جوامع فراتر از حوزه‌های محلی پراکنده شوند. لذا جوامع محلی یک موجودیت محلی نیست، و شبکه‌های چند مقیاسی وجود دارند که باید شناسایی شوند.
[۶۶]	چهارچوبی برای سطح‌بندی متغیرهای حکمروایی خوب در توسعه پایدار	با توجه به یافته‌های پژوهش، متغیرهای «پاسخگویی، اجماع‌محوری (شکل‌گیری وفاق عمومی) و اثربخشی و کارایی» در سطح اول، متغیرهای «مشارکت، مسئولیت‌پذیری و حاکمیت قانون (قانونمندی)» در سطح دوم و متغیرهای «حقوق مساوی (عدالت) و شفافیت» در سطح سوم مدل طراحی شده قرار گرفتند. نتایج این پژوهش نشان داد «شفافیت» و «حقوق مساوی»، مؤثرترین متغیرها هستند که باید در مرکز توجه جدی مدیران قرار گیرند.
[۴۳]	مدیریت جنگل مبتنی بر جامعه سنتی	در این تحقیق بر تمرکززدایی حاکمیت مدیریت جنگل‌ها و مدیریت مشترک دولت و جوامع محلی تأکید شده است. ورود دولت ملی کنیا در مدیریت جنگل‌های لویتا که به صورت محلی مدیریت می‌شود ممکن است منجر به تقسیم ناعادلانه قدرت و تضعیف بیشتر حکمرانی در جامعه شود. استفاده پایدار از عرصه طبیعی، تغییر نگرش جامعه نسبت به مدیران، تصویب قوانین فرعی برای عملیاتی کردن قانون اصلی، تقسیم منافع و مسئولیت‌ها بین دولت و جامعه، از شاخص‌های تمرکززدایی بوده‌اند.
[۳]	تمرکززدایی برای افزایش پایداری در مدیریت منابع طبیعی	افزایش قدرت دولت مرکزی و وزارتخانه‌های خطی آن برای کنترل منابع محلی می‌تواند بر سلب حق مشارکت مردم محلی و کنترل منابع طبیعی تأثیر بگذارد و منجر به بحران محیط‌زیستی گسترده شود. لذا با انتقال مدیریت مرکزی به سطوح محلی به عنوان یک راهکار مشارکتی می‌توان به تمرکززدایی مدیریت پایدار منابع دست یافت.
[۵۱]	ارتقاء مدیریت منابع طبیعی با تأکید بر حکمروایی خوب	نتایج پژوهش نشان داد، بین دیدگاه مسئولان و بهره‌برداران در تحقق معیارهای حکمروایی خوب تفاوت اساسی وجود دارد. علاوه بر این، نتایج نشان می‌دهد گروه‌داران کلیدی می‌توانند به عنوان تسهیل‌کننده برای ترویج حکمروایی خوب در منطقه عمل کنند.
[۴۶]	عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در طرح‌های منابع طبیعی اجرا شده در استان خراسان رضوی	نتایج نشان داد که افراد به مشارکت در طرح‌ها مشتاق بودند و عواملی مانند سودآوری اقتصادی طرح‌ها، تحصیلات، شغل، تضادهای اجتماعی و جذابیت‌های محیطی تأثیر مهمی در مشارکت مردم در منطقه ایجاد کرده است.

بر دامداری، به کشاورزی و تهیه صنایع دستی به ویژه فرش مشغول بوده و از محصولات تولیدی پشم و لبنی دام در جهت تأمین بخشی از معیشت‌شان استفاده می‌کنند. بهره‌برداران ترکمن دارای آلاچیق‌های مخصوصی هستند که از چوب و نمد ساخته می‌شود؛ معمولاً برای استقرار اعضای خانواده در مرتع می‌باشد. آن‌ها به دلیل مشکلات کم‌آبی از آب‌انبارها برای جمع‌آوری آب باران استفاده می‌کنند و در مواقع اضطراری از طریق حمل تانکر، آب مورد نیاز شرب دام و خانواده را تأمین می‌کنند.^۱

تحقیق حاضر به لحاظ هدف کاربردی و از نظر گردآوری اطلاعات، پیمایشی می‌باشد. جامعه مورد مطالعه را کلیه بهره‌برداران مرتعی ۸ سامان عرفی در شهرستان آق‌قلا از استان گلستان بود (N=۱۲۰). بر اساس فرمول کوکران، ۹۲ نفر از بهره‌برداران به عنوان حجم نمونه انتخاب شد که نمونه‌ها به روش تصادفی با انتساب متناسب در درون سامان‌های عرفی مورد مطالعه انتخاب شدند.

ابزار گردآوری داده‌ها و سنجش متغیرها، پرسشنامه است که در دو بخش اصلی شامل مشخصات جمعیت‌شناختی بهره‌برداران و مؤلفه‌های حکمرانی مشارکتی (تمایل بهره‌برداران بر مدیریت محلی مراتع) بر اساس شاخص و تغییرات اعمال شده تهیه و تدوین شد [۱]. به طوری که دیدگاه بهره‌برداران بر حکمرانی مشارکتی با ۳۲ گویه در قالب ۹ مؤلفه سازماندهی (با ۴ گویه)، برنامه‌ریزی (با ۴ گویه)، هماهنگی (با ۴ گویه)، هدایت کردن (با ۴ گویه)، نظارت (با ۴ گویه)، اجرا (با ۳ گویه)، برقراری ارتباط (با ۳ گویه)، حل تعارضات (با ۴ گویه) و داشتن حق مدیریت مراتع (با ۲ گویه)، ارزیابی شد. هر یک از گویه‌ها در دامنه پنج گزینه‌ای طیف لیکرت شامل موافقت خیلی زیاد برای دولت (با ارزش عددی ۱)، موافقت زیاد برای دولت (با ارزش عددی ۲)، موافقت نسبی (با ارزش عددی ۳)، موافقت زیاد برای بهره‌برداران (با ارزش عددی ۴) و موافقت خیلی زیاد برای بهره‌برداران

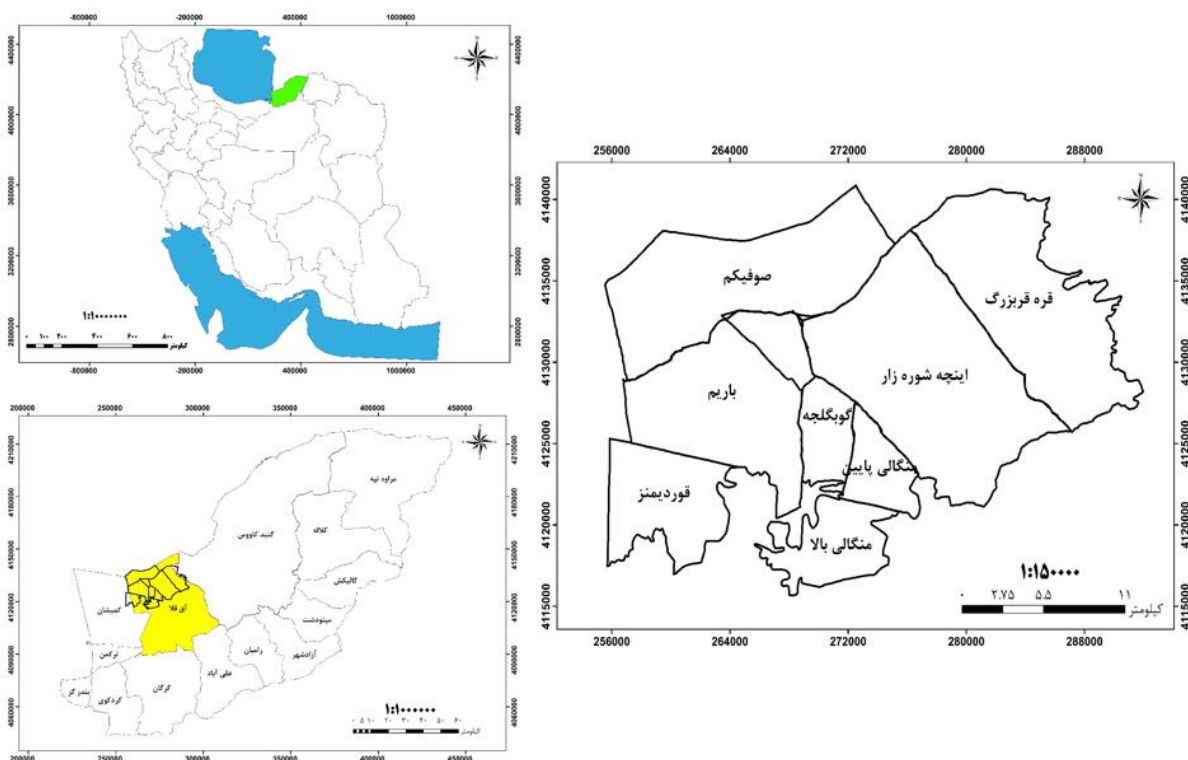
این امر به طور بالقوه می‌تواند استفاده از مراتع را بهینه کند و فرآیندهای پایین به بالا را تقویت نماید [۱۹ و ۶۰]. یعنی تعیین نماید که چه رفتاری در مدیریت مراتع قابل قبول، و چه رفتارهایی نامقبول است که تضمین این کار به وسیله خط‌مشی‌ها، قوانین و مقررات صورت می‌گیرد [۳۰]. از این‌رو الگوی حکمرانی مناسب در مدیریت مراتع، می‌تواند رویکردی در جهت توسعه پایدار با سازوکارهای تعاملی میان بخش دولتی (سازمان‌ها)، خصوصی (شرکت‌ها و پیمانکاران) و جامعه مدنی (بهره‌برداران مرتعی) باشد. در این راستا تحقیق حاضر با هدف ادراکات بهره‌برداران مرتعی نسبت به حکمرانی مشارکتی در مراتع پرداخته تا به این سوال پاسخ دهد که آیا بهره‌برداران تمایل به حکمرانی و مدیریت جامعه‌محور مراتع دارند یا دولت‌محور.

۲. مواد و روش‌ها

منطقه مورد مطالعه از "۲۵°۷۰'۰۵" تا "۲۸°۴۶'۱۰" طول جغرافیایی و "۴۱°۳۳'۹۱" تا "۴۱°۳۸'۷۰" عرض جغرافیایی در شمال غربی استان گلستان است که در فاصله حدود ۴۰ کیلومتری شمال شهرستان آق‌قلا و ۵۸ کیلومتری شهرستان گرگان با مساحتی حدود ۵۵۰۰۰ هکتار استقرار یافته است. این منطقه دارای ۸ سامان عرفی (قره‌قر بزرگ، اینچه‌شوره‌زار، منگالی بالا، منگالی پایین، صوفیکم، گوبگ‌لجه، باریم، قوردیمز) با ۱۲۰ بهره‌بردار است (شکل ۱). بهره‌برداران ذیحق مراتع مذکور از دامداران ترکمن بوده که به صورت مشاع و در برخی موارد تنسیق شده از اول آذر لغایت آخر اسفند هر سال به مدت ۴ ماه از مرتع بهره‌برداری می‌نمایند. این مراتع جزو مراتع قشلاقی استان بوده و با بارندگی ۳۵۱ میلی‌متر، اقلیم نیمه خشک، سازند منطقه مورد مطالعه از رسوبات کواترنر از دو سازند نهشته‌های قهوه‌ای و سازند گرگان تشکیل شده که خاک آن از بافت خیلی سنگین و شوری خیلی زیاد که جزء خاک‌های سولنچاک می‌باشد. بهره‌برداران این منطقه علاوه

بیشتر از مقدار قابل قبول ۰/۷ به دست آمد. محاسبات آماری در این تحقیق بر اساس نرم‌افزار SPSS25 در دو بخش توصیفی و استنباطی صورت گرفت. به طوری که در بخش توصیفی از فراوانی، درصد فراوانی، میانگین، انحراف معیار، و در بخش استنباطی از آزمون‌های همبستگی اسپیرمن و من‌ویتنی بهره گرفته شد.

(با ارزش عددی ۵) به صورت زوجی که یک طرف آن مربوط به بهره‌برداران مرتعی و طرف دیگر مربوط به دولت بود، مورد سنجش قرار گرفت (جدول ۲). روایی محتوایی و صوری پرسشنامه از طریق کارشناسان منابع طبیعی بررسی شد. برای ارزیابی پایایی نیز ضریب آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های حکمرانی مشارکتی محاسبه گردید که



شکل ۱. نقشه منطقه مورد مطالعه در ایران و استان گلستان

جدول ۲. مثالی از ارائه سوال در پرسشنامه تحقیق

دولت باید مسئول اصلی مدیریت مراتع باشد.	۵	۴	۳	۲	۱	بهره‌برداران یا تعاونی‌های مرتعداری باید مسئول اصلی مدیریت مراتع باشد.
تقسیم کار برای مدیریت مراتع باید توسط دولت انجام شود.	۵	۴	۳	۲	۱	تقسیم کار برای مدیریت مراتع باید توسط بهره‌برداران یا تعاونی‌های مرتعداری انجام شود.

۳. نتایج

۱.۳. ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای بهره‌برداران

همان طور که که نتایج نشان می‌دهد، اغلب بهره‌برداران مورد مطالعه (۹۱/۱ درصد) متأهل بوده و ۴۶/۷ درصد از

آن‌ها با بیشترین درصد فراوانی در خانواده‌های کمتر از ۵ نفر بودند. متوسط سنی افراد مورد مطالعه ۵۱/۳۹ سال بوده که بیشترین و کمترین آن ۸۲ و ۳۳ سال می‌باشد. نتایج نشان داد، ۳۲/۲ درصد از پاسخگویان بی‌سواد و ۵۶/۷

درصد نیز تحصیلاتی در حد دیپلم و کمتر از آن داشتند. همچنین یافته‌ها حاکی از آن بود که، متوسط تعداد دام در بین بهره‌برداران حدود ۱۴۴ رأس بوده که ۴۴/۴ درصد از آن‌ها با بیشترین فراوانی بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ رأس دام داشتند. ضمن این که نتایج نشان داد، بیشترین و کمترین سابقه دامداری نیز به ترتیب ۵۰ و ۸ سال می‌باشد (جدول ۳).

جدول ۳. توزیع فراوانی و درصد فراوانی ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای بهره‌برداران

گروه‌ها	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
وضعیت سنی			
کمتر از ۴۰	۲۲	۲۴/۴	۲۴/۴
۴۰-۵۰	۲۶	۲۸/۹	۵۳/۳
بیشتر از ۵۰	۴۲	۴۶/۷	۱۰۰
میانگین=۵۱/۳۹ حداقل=۳۳ حداکثر=۸۲			
وضعیت تأهل			
متأهل	۸۲	۹۱/۱	۹۱/۱
مجرد	۸	۸/۹	۱۰۰
سطح سواد			
بی‌سواد	۲۹	۳۲/۲	۳۲/۲
ابتدایی	۳۴	۳۷/۸	۷۰/۰
راهنمایی	۳	۳/۳	۷۳/۳
دبیرستان	۱۴	۱۵/۶	۸۸/۹
بیشتر از دیپلم	۳	۳/۳	۱۰۰
تعداد اعضای خانواده			
کمتر از ۵	۴۲	۴۶/۷	۴۶/۷
۵-۶	۴۱	۴۵/۶	۹۲/۲
بیشتر از ۶	۷	۷/۸	۱۰۰
میانگین=۴/۶۹ حداقل=۲ حداکثر=۱۰			
تعداد دام			
کمتر از ۱۰۰	۳۰	۳۳/۳	۳۳/۳
۱۰۰-۲۰۰	۴۰	۴۴/۴	۷۷/۸
بیشتر از ۲۰۰	۲۰	۲۲/۲	۱۰۰
میانگین=۱۴۳/۷۱ حداقل=۳۷ حداکثر=۳۵۰			
سابقه دامداری			
کمتر از ۱۰	۱۶	۱۷/۸	۱۷/۸
۱۰-۲۰	۴۸	۵۳/۳	۷۱/۱
بیشتر از ۲۰	۲۶	۲۸/۹	۱۰۰
میانگین=۱۴۳/۷۱ حداقل=۸ حداکثر=۵۰			

۲.۳. اولویت‌بندی شاخص‌های جفت‌شده تمایل

بهره‌برداران به حکمرانی در مرتع

با توجه به نتایج به دست آمده از تحقیق، گویه‌های «تعیین رابطه بین دست‌اندرکاران مدیریت مرتع» و «تعیین قوانین و مقررات مدیریت مرتع» در سازماندهی، «تعیین نوع و زمان اقدامات لازم برای مدیریت مرتع» و «تأمین منابع مورد نیاز برای مدیریت مرتع» در برنامه‌ریزی، «هماهنگی با بهره‌برداران در اجرای اقدامات لازم برای مدیریت مرتع» و «هماهنگی بین سازمان‌های مختلف برای مدیریت مرتع» در هماهنگی، «نحوه انجام کارهای لازم در مدیریت مرتع» و «صدور دستورات لازم برای مدیریت مرتع» در هدایت کردن، «نظارت بر پیشرفت مدیریت مرتع» و «شناسایی مسائل و مشکلات اجرایی مدیریت مرتع» در نظارت، «جلوگیری از اجرای قوانین نامناسب در مدیریت مرتع» و «تقویت قوانین و مقررات مدیریت مرتع» در اجرا، «شروع برقراری ارتباط مدیریت مرتع» و «حمایت از ارتباطات برای مدیریت مرتع» برقراری ارتباط، «حل اختلافات بین بهره‌برداران مرتعی و ادارات دولتی» و «یافتن راه‌حل اختلافات در مدیریت مرتع» در حل تعارضات و «داشتن حق مدیریت مرتع» و «داشتن حق سازماندهی و هدایت مدیریت مرتع» در حق داشتن مدیریت مرتع، به ترتیب با بیشترین و کمترین مقدار میانگین، بالاترین و پایین‌ترین تمایل به انجام آن را در مدیریت مرتع داشتند (جدول ۴). ضمن این که یافته‌ها حاکی از آن است که، کمتر بودن مقدار میانگین از ۲ در گویه‌های «تعیین قوانین و مقررات مدیریت مرتع»، «تأمین منابع مورد نیاز برای مدیریت مرتع» و «هماهنگی بین سازمان‌های مختلف برای مدیریت مرتع» نشان‌دهنده موافقت زیاد بهره‌برداران و کمتر بودن مقدار میانگین از ۳ در گویه «صدور دستورات لازم برای مدیریت مرتع» نشان‌دهنده موافقت نسبی به مدیریت دولتی در مرتع بوده و در سایر گویه‌ها با توجه به بیشتر بودن مقدار میانگین از ۳، تمایل به مدیریت

جامعه‌محور می‌باشد.

جدول ۳ نتایج حاصل از مقایسه میانگین و انحراف معیار به دست آمده در سطح شاخص‌های تمایل به حکمرانی در مراتع نشان می‌دهد. با توجه به عدم یکسان بودن تعداد گویه‌های سنجش شاخص‌های حکمرانی، برای محاسبه هر یک از آن‌ها در بین پاسخگویان و به منظور قابل مقایسه کردن آن‌ها با یکدیگر، از ترکیب خطی غیروزن‌دار^۲ استفاده شد. به طوری که، جمع امتیاز گویه‌های مربوط به هر یک از شاخص‌ها به عنوان امتیاز آن بُعد محاسبه گردید. لذا یافته‌ها حاکی از آن است که، دو شاخص «اجرا» و «حل تعارضات» با بیشترین مقدار و دو شاخص «برنامه‌ریزی» و «هماهنگی» با کمترین مقدار به ترتیب در بالاترین و پایین‌ترین سطح شاخص حکمرانی در مراتع قرار گرفتند. به بیان دیگر، بهره‌برداران به جز در شاخص «هماهنگی»، در سایر شاخص‌ها تمایل بیشتری برای حکمرانی در مدیریت مرتع داشتند (جدول ۵). از طرفی، با توجه به میانگین به دست آمده در شاخص حکمرانی مرتع (۳/۵۸)، تمایل حکمرانی به سمت مدیریت جامعه‌محور می‌باشد که شکل ۲ مکان قرارگیری آن را نشان می‌دهد.

۳.۳. روابط همبستگی تمایل به حکمرانی مشارکتی

در مرتع با ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای

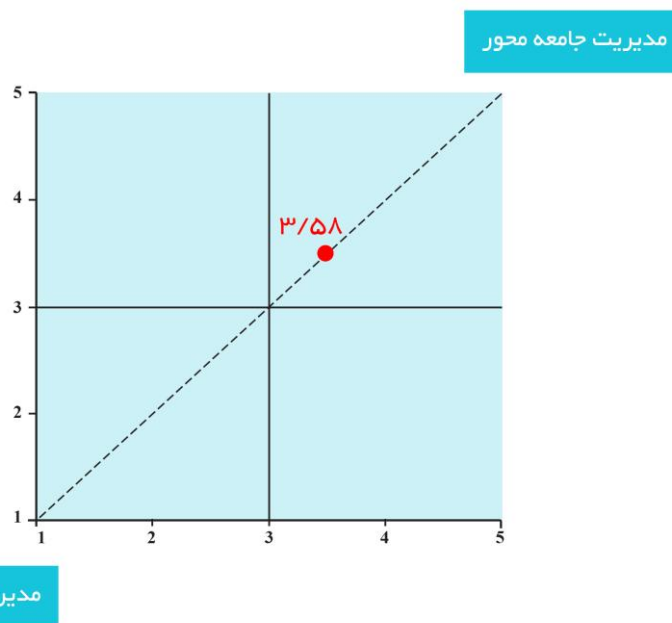
نتایج به دست آمده از رابطه بین تمایل به حکمرانی در مرتع با ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای حاکی از آن است که، بین متغیرهای سابقه دامداری، تعداد دام و سن به ترتیب بیشترین ضریب همبستگی ۰/۴۷۸، ۰/۳۵۲ و ۰/۳۴۶، با تمایل بهره‌برداران به حکمرانی مشارکتی در مراتع رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. نتایج نشان داد بین میزان درآمد سالانه با تمایل به حکمرانی نیز در سطح ۹۵ درصد اطمینان، رابطه مثبت و معنی‌داری بوده است. همچنین یافته‌ها نشان از رابطه منفی و معنی‌دار بین میزان سواد بهره‌برداران با تمایل آن‌ها به مدیریت در مرتع می‌باشد (جدول ۶).

جدول ۴. اولویت‌بندی گویه‌های جفت‌شده تمایل بهره‌برداران به حکمرانی در مرتع

رتبه	انحراف معیار	میانگین	حداکثر	حداقل	گویه‌های جفت شده
سازماندهی					
۱	۱/۱۶	۳/۷۹	۵	۱	تعیین رابطه بین دست‌اندرکاران مدیریت مرتع
۲	۱/۲۶	۳/۴۴	۵	۱	گرفتن مسئولیت مدیریت مرتع
۳	۱/۲۴	۳/۳۲	۵	۱	تقسیم کار برای مدیریت مراتع
۴	۱/۲۷	۱/۶۶	۵	۱	تعیین قوانین و مقررات مدیریت مراتع
برنامه‌ریزی					
۱	۱/۰۶	۳/۵۶	۵	۱	تعیین نوع و زمان اقدامات لازم برای مدیریت مراتع
۲	۱/۱۸	۳/۴۶	۵	۱	تعیین روش اجرای اقدامات لازم برای مدیریت مراتع
۳	۱/۳۵	۳/۱۸	۵	۱	تعیین اولویت‌های مربوط به مدیریت مراتع
۴	۱/۴۱	۱/۹۶	۵	۱	تأمین منابع مورد نیاز برای مدیریت مراتع
هماهنگی					
۱	۱/۱۶	۳/۴۶	۵	۱	هماهنگی با بهره‌برداران در اجرای اقدامات لازم برای مدیریت مراتع
۲	۱/۳۶	۳/۴۰	۵	۱	یافتن مکانیسم‌های هماهنگ برای اجرای اقدامات مدیریت مراتع
۳	۱/۳۲	۳/۱۶	۵	۱	هماهنگ کردن اقدامات لازم برای مدیریت مراتع
۴	۱/۲۱	۱/۷۴	۵	۱	هماهنگی بین سازمان‌های مختلف برای مدیریت مراتع
هدایت کردن					
۱	۱/۵۱	۳/۵۶	۵	۱	نحوه انجام کارهای لازم در مدیریت مراتع
۲	۱/۲۲	۳/۴۴	۵	۱	رهبری مدیریت مراتع
۳	۱/۴۰	۳/۳۶	۵	۱	ایجاد انگیزه در افراد برای همکاری در مدیریت مراتع
۴	۱/۴۱	۲/۰۸	۵	۱	صدور دستورات لازم برای مدیریت مراتع
نظارت					
۱	۰/۶۶	۴/۴۴	۵	۳	نظارت بر پیشرفت مدیریت مراتع
۲	۰/۷۲	۴/۳۶	۵	۲	راه‌حل برای مسائل و مشکلات مدیریت مراتع
۳	۰/۹۱	۴/۱۸	۵	۱	نظارت بر استفاده از امکانات برای مدیریت مراتع
۴	۱/۱۸	۳/۷۲	۵	۱	شناسایی مسائل و مشکلات اجرایی مدیریت مراتع
اجرا					
۱	۰/۸۰	۴/۴۷	۵	۱	جلوگیری از اجرای قوانین نامناسب در مدیریت مراتع
۲	۰/۸۲	۴/۴۱	۵	۳	حصول اطمینان از پذیرش قوانین و مقررات در مدیریت مراتع
۳	۰/۷۰	۴/۲۲	۵	۲	تقویت قوانین و مقررات مدیریت مراتع
برقراری ارتباط					
۱	۰/۷۰	۴/۴۳	۵	۲	شروع برقراری ارتباط مدیریت مراتع
۲	۰/۷۱	۳/۶۱	۵	۳	تقویت ارتباط دوجانبه بین ادارات و بهره‌برداران مرتعی
۳	۰/۷۰	۳/۶۰	۵	۳	حمایت از ارتباطات برای مدیریت مراتع
حل تعارضات					
۱	۰/۷۴	۴/۱۴۸	۵	۱	حل اختلافات بین بهره‌برداران مرتعی و ادارات دولتی
۲	۰/۸۰	۴/۳۶	۵	۲	چگونگی حل اختلافات در ارتباط با مراتع
۳	۱/۴۶	۴/۱۱	۵	۱	حل اختلافات بین بهره‌برداران مرتعی
۴	۰/۸۱	۳/۷۷	۵	۳	یافتن راه‌حل اختلافات در مدیریت مراتع
داشتن حق مدیریت					
۱	۰/۷۴	۴/۲۱	۵	۳	داشتن حق مدیریت مراتع
۲	۱/۴۱	۳/۰۱	۵	۱	داشتن حق سازماندهی و هدایت مدیریت مراتع

جدول ۵. اولویت‌بندی شاخص‌های جفت‌شده تمایل بهره‌برداران به حکمرانی در مرتع

رتبه	ترکیب خطی غیروزن‌دار	انحراف معیار	میانگین	حداکثر	حداقل	شاخص‌های جفت شده
۱	۴/۳۷	۱/۵۰	۱۳/۱۰	۱۵	۸	اجرا
۲	۴/۱۸	۲/۰۶	۱۶/۷۱	۲۰	۱۲	حل تعارضات
۳	۴/۱۸	۲/۱۲	۱۶/۷۰	۲۰	۱۱	نظارت
۴	۳/۶۱	۱/۶۰	۷/۲۲	۹	۴	داشتن حق مدیریت
۵	۳/۵۵	۱/۱۲	۱۰/۶۴	۱۴	۹	برقراری ارتباط
۶	۳/۱۱	۲/۳۲	۱۲/۴۳	۲۰	۴	هدایت کردن
۷	۳/۰۵	۲/۸۹	۱۲/۲۱	۲۰	۴	سازماندهی
۸	۳/۰۴	۲/۳۱	۱۲/۱۴	۲۰	۶	برنامه‌ریزی
۹	۲/۹۶	۲/۸۳	۱۱/۸۲	۲۰	۴	هماهنگی
-	۳/۵۸	۷/۲۶	۱۱۲/۹۹	۱۴۶	۸۷	حکمرانی در مرتع



شکل ۲. موقعیت قرارگیری حکمرانی در مرتع در تداوم مدیریت دولت‌محور به جامعه‌محور

جدول ۶. رابطه بین تمایل به حکمرانی در مرتع با ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای

متغیرها	ضریب همبستگی (r)	سطح معنی‌داری (sig)
سن (سال)	۰/۳۴۶**	۰/۰۰۰
میزان سواد	-۰/۱۸۵*	۰/۰۲۲
تعداد اعضای خانوار (نفر)	۰/۰۳۰	۰/۳۹۰
تعداد دام (رأس)	۰/۳۵۲**	۰/۰۰۰
سابقه دامداری (سال)	۰/۴۷۸**	۰/۰۰۰
میزان درآمد سالانه (تومان)	۰/۱۶۶*	۰/۰۴۶

* در سطح ۹۵ درصد اطمینان

** در سطح ۹۹ درصد اطمینان

سطح ۹۹ درصد اطمینان و در گروه «نوع بهره‌برداری در مرتع» در سطح ۹۵ درصد اطمینان، تفاوت معنی‌داری داشته است (جدول ۷). به بیان دیگر، بهره‌بردارانی که دارای مراتع تنسیق شده بوده‌اند و در دوره‌های آموزشی شرکت کرده و در تعاونی مرتعداری عضو بوده‌اند نسبت به سایرین، تمایل بیشتری به حکمرانی و مدیریت در مرتع داشته‌اند.

۴.۳. مقایسه تمایل به حکمرانی مشارکتی در مرتع در گروه‌های مختلف

نتایج حاصل از مقایسه میانگین در گروه‌های مختلف نشان می‌دهد که، تمایل بهره‌برداران به حکمرانی در مرتع در گروه‌های «شرکت در دوره‌های آموزشی مرتبط با مدیریت مرتع» و «عضویت در تعاونی‌های مرتعداری» در

جدول ۷. مقایسه تمایل به حکمرانی در مرتع در گروه‌های مختلف

متغیر	گروه	میانگین	مقدار U من‌ویتنی	سطح معنی‌داری
وضعیت تأهل	متأهل	۴۵/۸۴	۳۰۰/۵۰۰	۰/۶۹۶
	مجرد	۴۲/۰۶		
داشتن شغل غیر از دامداری	خیر	۳۴/۴۴	۴۲۲/۵۰۰	۰/۴۰۶
	بلی	۳۰/۳۷		
شرکت در دوره‌های آموزشی مرتبط با مدیریت مرتع	خیر	۳۳/۱۷	۷۰۳/۵۰۰	۰/۰۰۰
	بلی	۵۹/۱۹		
نوع بهره‌برداری در مرتع	مشاع	۳۵/۰۱	۶۹۴/۰۰۰	۰/۰۱۲
	تنسیق شده	۵۵/۹۰		
دارا بودن طرح مرتعداری	خیر	۴۹/۴۶	۷۲۹/۰۰۰	۰/۳۵۸
	بلی	۴۳/۸۹		
عضویت در تعاونی مرتعداری	خیر	۲۶/۳۰	۸۹۰/۵۰۰	۰/۰۰۰
	بلی	۶۳/۳۱		

بروکراسی اداری و سازمانی در جهت مدیریت مراتع توسط بهره‌برداران، باشد. لذا دارا بودن دانش و اطلاعات کافی همراه با افزایش آگاهی بوده و می‌تواند نقش مهمی در مدیریت مشارکتی داشته باشد [۱۶ و ۲۱]. از طرفی، با توجه به تهیه پروژه‌ها و طرح‌های مختلف در مرتع و حضور بهره‌برداران به عنوان ذینفعان اصلی در آن، اجرای آن‌ها با برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری دولتی انجام شده و جوامع محلی و بهره‌برداران کمترین جایگاه را در طرح‌ها و پروژه‌های مذکور دارند. سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های بالا به پایین در مدیریت منابع طبیعی با کمترین نقش جوامع محلی بوده که خود مانعی برای مشارکت حداکثری آن‌ها در طرح‌ها و پروژه‌های منابع طبیعی است [۳۶]. از این‌رو راهبرد اصلی عملی کردن توسعه پایدار در بخش

۴. بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که نتایج به دست آمده از تحقیق نشان داد بهره‌برداران مرتعی در منطقه مورد مطالعه تمایل کمتری به «تعیین قوانین و مقررات مدیریت مراتع»، «تأمین منابع مورد نیاز برای مدیریت مراتع»، «هماهنگی بین سازمان‌های مختلف برای مدیریت مراتع» و «صدور دستورات لازم برای مدیریت مراتع» داشتند. این یافته نشان از آن دارد که بهره‌برداران مرتعی نسبت به سه مؤلفه قانونی، منابع مالی و هماهنگی سازمانی تمایل کمتری از خود نشان دادند که می‌تواند ناشی از ابهامات ذهنی قوانین و مقررات بهره‌برداری از مرتع، سطح درآمدی نسبتاً پایین بهره‌برداران و همچنین پیچیدگی

از طرفی، بهره‌برداران تمایل کمتری در شاخص «هماهنگی» حکمرانی مشارکتی در مدیریت مراتع داشته‌اند. بر همین اساس عدم مجهز بودن آن‌ها به فناوری‌های نوین اینترنتی با توجه فواصل دور آن‌ها از یکدیگر برای هماهنگی درونی، و همچنین سطح سواد پایین اغلب بهره‌برداران و نداشتن سواد اطلاعاتی اداری در جهت هماهنگی سازمانی، می‌تواند از مهم‌ترین دلایل یافته‌ها به دست آمده باشد. از طرفی یافته‌ها حاکی از آن بود که، بین دو شاخص «حل تعارضات» و «اجرا» نسبت به سایر شاخص‌های حکمرانی مشارکتی، قوی‌ترین رابطه معنی‌داری وجود دارد. لذا می‌توان اذعان نمود بهره‌بردارانی که به دنبال حل اختلافات درون‌گروهی (بین بهره‌برداران) و برون‌گروهی (بین بهره‌برداران و ادارات دولتی) هستند، از اجرای قوانین نامناسب در مدیریت مراتع جلوگیری کرده و خواهان بهره‌برداری اصولی و حفاظتی از آن بودند. یافته‌های حاصل از تحقیق نشان داد بین سن و سابقه دامداری بهره‌برداران با درک از حکمرانی مشارکتی آن‌ها در مدیریت مراتع رابطه معنی‌داری وجود دارد. هر چه سطح سنی بهره‌برداران و به موازات سابقه دامداری و گله‌داری آن‌ها بیشتر شده است، تمایل به حکمرانی مشارکتی در مدیریت مراتع نیز در آن‌ها بالاتر رفته است. به بیان دیگر، بهره‌برداران مسن‌تر نسبت به جوان‌ترها و باتجربه‌ها نسبت به کم‌سابقه‌ترها، تمایل بیشتری از خود در فعالیت‌های مشارکتی نشان داده‌اند. در همین راستا رابطه منفی میزان سواد بهره‌برداران با سطح تمایل آن‌ها به حکمرانی مشارکتی نشان از دارد که، بهره‌برداران کم‌سواد و بی‌سواد که اغلب دارای سطح سنی بالاتری بودند، نسبت به افرادی که تحصیلات بیشتری داشتند، به دلیل پایین‌بودن بیشتر به اصول مرتعداری، سطح مسئولیت‌پذیری بالایی در مدیریت مشترک مرتع داشته‌اند. نتیجه تحقیق عالیشاه ارات‌بنی و همکاران (۲۰۱۹) نیز بر تأثیرگذاری دو متغیر مذکور در مشارکت بهره‌برداران مرتعی در نتایج تحقیقات‌شان اشاره کرده‌اند. ضمن این که آن‌هایی که تعداد دام و به دنبال آن سطح

منابع طبیعی تأکید بر عواملی است که بیشتر جنبه مشارکتی با جوامع محلی دارند [۳۲]. به طوری که در منطقه مورد مطالعه با تأسیس تعاونی مرتعداری و جذب بهره‌برداران در آن، زمینه را برای بالا بردن میزان مشارکت‌پذیری آن‌ها در فعالیت‌های حفاظتی، احیایی و اصلاحی فراهم کرده و ضمن دخالت دادن آن‌ها در مدیریت حفاظتی و احیایی مراتع، باعث اشتغال‌زایی فصلی و دائمی در بین آن‌ها می‌شود. نتایج تحقیقات خان‌محمدی و همکاران (۲۰۱۲) نشان داد که عدم وجود شرکت‌های تعاونی مرتعداری تأثیر منفی بر میزان مشارکت بهره‌برداران در مدیریت مراتع دارد. بنابراین می‌توان بیان کرد که مشارکت بهره‌برداران منطقه مورد مطالعه در حکمرانی مرتع هم به صوت خودجوش و هم مشارکت متأثر از وضعیت معیشتی وجود دارد. لذا این امر تمایل به حکمرانی بهره‌برداران را در مدیریت مراتع به وضوح نشان می‌دهد [۳۵].

با توجه به نتایج به دست آمده، بهره‌برداران مرتعی در منطقه مورد مطالعه تمایل زیادی به حکمرانی مشارکتی در مدیریت مراتع داشته که بیشتر ناشی از شاخص‌های «اجرا» و «حل تعارضات» نسبت به سایر شاخص‌ها بوده است. این یافته نشان از مشارکت فعال بهره‌برداران نسبت به اجرای صحیح قوانین مدیریت مراتع و جلوگیری از اجرای نامناسب آن، حل اختلافات بین بهره‌برداران مرتعی و ادارات دولتی با راه‌حل‌های بومی در منطقه مورد مطالعه است. بنابراین می‌توان با مدیریت اختلافات درونی و بیرونی، میزان تعارضات بین کنشگران مرتعی را کاهش داد و از این طریق مدیریت پایای منابع طبیعی را به اجرا در آورد [۳۱]. وجود تعاونی مرتعداری و حمایت‌های دانشی و اطلاعاتی توسط آن از طریق برگزاری کلاس‌های آموزشی، جلب مشارکت بهره‌برداران و جوامع محلی در پروژه‌های احیایی (مانند تولید نهال و بوته‌کاری در مرتع) و اصلاحی (مانند ایجاد تشک‌های ذخیره نزولات آسمانی)، درک و آگاهی بهره‌برداران را در حکمرانی مشارکتی با سیستم‌های دولتی بیشتر فراهم نموده است.

مشارکتی در مدیریت مرتع داشته‌اند. این یافته با نتایج تحقیقات احمدی و همکاران (۲۰۲۲) و محمدی و همکاران (۲۰۲۰) همسو می‌باشد [۶ و ۴۰]. ارائه خدمات آموزشی-دانشی، رفاهی-اقتصادی و ایجاد زمینه‌های شغلی و اشتغال‌زایی فصلی و دائمی، نهاده‌ای و همچنین برگزاری جلسات و دوره‌های متعدد آموزشی و ترویجی به عنوان مشوق‌های مالی و معنوی توسط تعاونی‌ها باعث شده است تا بهره‌برداران عضو آن، تمایل بیشتری به حکمرانی مشارکتی در مرتع داشته باشند.

با توجه به نتایج به دست آمده از تحقیق و همچنین جایگاه و اهمیت حکمرانی مراتع به ویژه از طریق فعالیت‌های مشارکتی، دخالت دادن بهره‌برداران در تهیه و تدوین طرح‌ها و پروژه‌های مرتعی و استفاده از دانش غنی بومی آن‌ها، بهره‌گیری از پتانسیل نیروی انسانی بهره‌برداران در اجرای فعالیت‌های احیایی و اصلاحی در مراتع، استفاده از بهره‌برداران مسن با سابقه دامداری بالاتر و عضو تعاونی‌ها و تشکل‌های محلی به عنوان پشروان حکمرانی مشارکتی، برگزاری دوره‌ها و کلاس‌های آموزشی مرتبط در جهت بالا بردن دانش و سواد اطلاعاتی بهره‌برداران در راستای فعالیت‌های مشارکتی آن‌ها با اداره منابع طبیعی و آبخیزداری (به عنوان نماینده دولت) از جمله مهم‌ترین پیشنهادات تحقیق حاضر می‌باشد.

درآمدی بیشتری داشتند نسبت به سایرین در اقدامات مشارکتی درک بیشتری داشتند [۷]. این یافته با نتایج تحقیقات خلیلی و همکاران (۲۰۱۴) و اسپرینگر و همکاران (۲۰۲۱) همسو بوده و معتقدند عوامل اقتصادی زمینه را برای انگیزش مشارکتی بهره‌برداران در مرتع فراهم می‌کند [۳۴ و ۵۵]. به بیان دیگر، بهره‌برداران دارای تعداد دام بالاتر به دلیل میزان درآمد بیشتر نسبت به بهره‌برداران خرده‌پا با تمکن مالی بهتر و کاهش دغدغه‌های معیشتی، تمایل بیشتری در فعالیت‌های مشارکتی از خود نشان دادند. بر اساس نتایج حاصل به دست آمده از آزمون من‌وینتی، بهره‌بردارانی که مراتع خود را تنسیق کرده‌اند نسبت به افرادی که به صورت مشاع مراتع را مورد بهره‌برداری قرار می‌دهند، ادراک بیشتری به حکمرانی مشارکتی در مرتع دارند. این یافته نشان‌دهنده مشارکت، انسجام و یکپارچگی کمتر مرتع‌داران در نظام‌های مدیریتی گروهی می‌باشد [۶ و ۵۶]. احساس تملک در اینگونه بهره‌برداران، سعی در سرمایه‌گذاری بیشتر در مراتع‌شان به ویژه در بخش‌های احیایی و اصلاحی داشته و از فناوری‌ها و عملیات نوین به عنوان پیشروان مدیریت مشارکتی استقبال می‌نمایند. از طرفی، بهره‌بردارانی که در تعاونی‌های مرتعداری عضو بوده و در دوره‌ها و کلاس‌های آموزشی مرتبط با مدیریت مرتع شرکت کرده‌اند، تمایل بیشتری به حکمرانی

References

- [1] Abedi Sarvestani, A. and Ingram, V. (2020). Perceptions and practices of rural council participatory forest governance: Closed co-management in Chehel-Chay, Iran. *Forest Policy and Economics*, 117: 102202.
- [2] Acuña, R.M. (2015). The politics of extractive governance: Indigenous peoples and socio-environmental conflicts. *The Extractive Industries and Society*, 2(1): 85-92.
- [3] Adam, J.N., Adams, T., Gerber, J. D. and Haller, T. (2021). Decentralization for increased sustainability in natural resource management? Two cautionary cases from Ghana. *Sustainability*, 13(12), 68-85.
- [4] Agrawal, A. and Ostrom, E. (2001). Collective action, property rights, and decentralization in resource use in India and Nepal. *Politics & Society*, 29(4), 485-514.

- [5] Ahmadi, R., Heydari, Q. and khoshfar, G. (2020). Investigate the factors affecting landholders' participation in the rehabilitation and restoration of rangeland (case study: Choqakadoo rangeland in the province of Kermanshah). *Journal of Range and Watershed Management*, 73(2), 227-238.
- [6] Ahmadi, R., Heydari, Q., Rastgar, S. and Mohammadi Kangrani, H. (2022). Comparison of structural indicators of social networks of rancher's participation in summer rangeland management systems Delarstaq, Amol. *Iranian Journal of Forest and Range Protection Research*, 19(2): doi: 10.22092/ijfrpr.2021.353315.1469.
- [7] Alishah-Eratboni, F., Arzani, H., Javadi, S. and Farahpour, M. (2019). Investigation of factors influencing participation of ranchers in range management plans (case study: Savadkooh watershed, Mazandaran). *Iranian Journal of Rangeland and Desert Research*, 26(2), 379-387.
- [8] Ansell, C. and Gash, A. (2008). Collaborative governance in theory and practice. *Journal of public administration research and theory*, 18(4), 543-571.
- [9] Arnouts, R., Van der Zouwen, M. and Arts, B. (2012). Analysing governance modes and shifts—governance arrangements in dutch nature policy. *Forest policy and economics*, 16, 43-50.
- [10] Bebbington, A., Hinojosa, L., Bebbington, D. H., Burneo, M. L. and Warnaars, X. (2008). Contention and ambiguity: Mining and the possibilities of development. *Development and change*, 39(6), 887-914.
- [11] Bennett, N.J. and Dearden, P. (2014). Why local people do not support conservation: Community perceptions of marine protected area livelihood impacts, governance and management in Thailand. *Marine policy*, 44, 107-116.
- [12] Bennett, N. J., Di Franco, A., Calò, A., Nethery, E., Niccolini, F., Milazzo, M. and Guidetti, P. (2019). Local support for conservation is associated with perceptions of good governance, social impacts, and ecological effectiveness. *Conservation letters*, 12(4), e12640.
- [13] Berkes, F. (2010). Devolution of environment and resources governance: trends and future. *Environmental Conservation*, 37(4), 489-500.
- [14] BMZ. (2002). *Decentralization and Strengthening Local Self-Government in German Development co-Operation*. BMZ, Bonn.
- [15] Bohlooli, N., Khodaverdizadeh, Q. and Saboohi Laki, B. (2017). Good governance, the key to community development, *Fourth International Congress of New Research in Management, Accounting and Economics Studies*, Shiraz.
- [16] Brunnschweiler, C., Edjekumhene, I. and Lujala, P. (2021). Does information matter? Transparency and demand for accountability in Ghana's natural resource revenue management. *Ecological Economics*, 181, 106903.
- [17] Carlsson, L. and Berkes, F. (2005). Co-management: concepts and methodological implications. *Journal of environmental management*, 75(1), 65-76.
- [18] Cesar, S. 2019. Earning a social license to operate in mining: A case study from Peru. *Resources Policy*, 64, 101482.
- [19] Chabwela, H. and Haller, T. (2010). Governance issues, potentials and failures of participative collective action in the Kafue Flats, Zambia. *International Journal of the Commons*, 4(2), 621-642.
- [20] Charles, M. and Le Billon, P. (2021). Corporate accountability and diplomatic liability in overseas extractive projects. *The Extractive Industries and Society*, 8(1), 467-476.
- [21] Dougherty, M.L. (2019). Boom times for technocrats? How environmental consulting companies shape mining governance. *The Extractive Industries and Society*, 6(2), 443-453.
- [22] Dyer, J., Stringer, L. C., Dougill, A. J., Leventon, J., Nshimbi, M., Chama, F. and Syampungani, S. (2014). Assessing participatory practices in community-based natural resource management: Experiences in community engagement from southern Africa. *Journal of environmental management*, 137, 137-145.
- [23] Fernández-Llamazares, Á., Díaz-Reviriego, I., Guèze, M., Cabeza, M., Pyhälä, A. and Reyes-García, V. (2016). Local perceptions as a guide for the sustainable management of natural resources: empirical evidence from a small-scale society in Bolivian Amazonia. *Ecology and Society: a Journal of Integrative Science for Resilience and Sustainability*, 21(1), 1-26.
- [24] Ferraro, P.J. (2000). Global habitat protection: limitations of development interventions and the role for a permanent International Habitat Reserve.

- [25] Florini, A. and Pauli, M. (2018). Collaborative governance for the sustainable development goals. *Asia & the Pacific Policy Studies*, 5(3), 583-598.
- [26] Fu, B. (2020). Promoting geography for sustainability. *Geography and Sustainability*, 1(1), 1-7.
- [27] Ghorbani Mehr, M. (2019). The relationship between participatory governance and urban policy-making with a meritocracy approach. *Third International Conference on Innovation and Research in Educational Sciences, Management and Psychology: Tehran*.
- [28] Graham, J., Amos, B. and Plumpre, T.W. (2003). Governance principles for protected areas in the 21st century (pp. 1-2). Ottawa: Institute on Governance, *Governance Principles for Protected Areas*.
- [29] Grävingholt, J., Doerr, B., Meissner, K., Pletziger, S., Rümker, J. V. and Weikert, J. (2006). Strengthening participation through decentralisation: Findings on local economic development in Kyrgyzstan, Vol. 16, p. 144, DEU.
- [30] Hosseini, S.K. and Nowruzi, M. (2016). The necessity of governing natural resources with emphasis on oil and gas in Iran: Explaining theories and examining experiences. *Scientific Monthly of Oil and Gas Exploration and Production*, 133, 9-16.
- [31] Jannati Chenar, M.A. and Kolahy, M.A. (2018). Conflicts between ranchers and natural resources management. 7th National Conference on Rangeland and Rangeland Management of Iran: Karaj.
- [32] Jingling, L., Yun, L., Liya, S., Zhiguo, C. and Baoqiang, Z. (2010). Public participation in water resources management of Haihe river basin, China: the analysis and evaluation of status quo. *Procedia Environmental Sciences*, 2, 1750-1758.
- [33] Karimian, A. and Heidari, G. (2016). Relation of social capital in each exploitation systems and participation in range management plan performance (case study: Semnan province range management plan). *Journal of Arid Biome*, 6(1), 45-55.
- [34] Khalili, V., Mahmoodi, J., Gholami, Sh. and Nazari, M.R. (2014). Factors affecting the rate of participation of beneficiaries in the implementation range management plan (case study of summer pastures Vazroud area). *Natural Ecosystems of Iran*, 5(2), 105-113.
- [35] Khanmohammadi, M., Ariapour, A. and Razzaghi, M.H. (2012). Prioritization Of barriers To participation in range,s plans from viewpoint of experts (case study: Tehran province, Lar Moor). *Natural Ecosystems of Iran*, 2(3), 99-110.
- [36] Kurniawan, N. I., Lujala, P., Rye, S. A. and Vela-Almeida, D. (2021). The role of local participation in the governance of natural resource extraction. *The Extractive Industries and Society*, 101029.
- [37] Kushler, M., York, D. and Witte, P. (2006). Aligning utility interests with energy efficiency objectives: A review of recent efforts at decoupling and performance incentives. *American Council for an Energy Efficient Economy*.
- [38] Leifsen, E., Gustafsson, M.T., Guzmán-Gallegos, M.A. and Schilling-Vacaflor, A. (2017). New mechanisms of participation in extractive governance: between technologies of governance and resistance work. *Third World Quarterly*, 38(5), 1043-1057.
- [39] Lund, S. 2002. Community participation in natural resource management projects: a rational institutional choice? Some evidence from sand dune fixation in Mauritania. *Journal for Transdisciplinary Environmental Studies*, 1(2), 17.
- [40] Mahmoudi, J., Mahmoudi, A. and Gholami, S. (2020). Determination the effective factors on the participation rate of exploiters in the implementation of rangeland management projects in Kojour, Nowshahr city. *Journal of Renewable Natural Resources Research*, 11(1), 57-70.
- [41] Mairomi, H.W. and Kimengsi, J.N. (2021a). Community-based actors and participation in rangeland management. Lessons from the western highlands of Cameroon. *Sustainability*, 13(4), 1700.
- [42] Mairomi, H.W. and Kimengsi, J.N. (2021b). Governance dynamics in rangelands: An evaluation of the applicability of Ostrom's principles in the Western Highlands of Cameroon. *Scientific African*. 12, e00837.
- [43] Mbuvi, M.T.E. and Kungu, J.B. (2021). A transforming traditional community-based forest management: the case of Loita community forest, Kenya. *Heliyon*, 7(6), e07380.
- [44] Meinzen-Dick, R. and Knox, A. (1999). Collective action, property rights, and devolution of natural resource management: A conceptual framework. In *Draft paper for workshop (Vol. 15)*.

- [45] Merino, R. 2018. Re-politicizing participation or reframing environmental governance? Beyond indigenous' prior consultation and citizen participation. *World Development*, 111, 75-83.
- [46] Mohammadabadi, F. and Kolahi, M. (2022). Factors affecting people's engagement in the implemented natural resources plans at Khorasan Razavi province. *Journal of Range and Watershed Managment*, 74(4), 821-835.
- [47] Mohammadi, N. and Danaeefard, H. (2019). A model of collaborative governance for renewable energy development in Iran: an institutional perspective. *Quarterly Journal of Energy Policy and Planning Research*. 5(3), 67-95.
- [48] Muriu, A.R. 2013. Decentralization, citizen participation and local public service delivery: A study on the nature and influence of citizen participation on decentralized service delivery in Kenya (Master's thesis, Potsdam: Universitätsverlag Potsdam).
- [49] Ojha, H.R., Ford, R., Keenan, R. J., Race, D., Vega, D.C., Baral, H. and Sapkota, P. (2016). Delocalizing communities: Changing forms of community engagement in natural resources governance. *World Development*, 87, 274-290.
- [50] Osmani, S.R. 2001. Participatory governance and poverty reduction. *Choices for the Poor: Lessons from National Poverty Strategies*. UNDP: New York.
- [51] Payste, M., Kolahi, M. and Omranian khorasani, H. (2020). Criteria and indicators; requirement for cognition, applying and evaluating good governance in natural resources. *Journal of Water and Sustainable Development*, 7(1), 13-22.
- [52] Pomeroy, R.S. and Berkes, F. (1997). Two to tango: the role of government in fisheries co-management. *Marine policy*, 21(5), 465-480.
- [53] Ribot, J.C. 2001. Integral local development: "accommodating multiple interests" through entrustment and accountable representation. *International journal of agricultural resources, governance and ecology*, 1(3-4), 327-350.
- [54] Righettoni, M.S. 2021. Framing sustainability. Evidence from participatory forums to taylor the regional 2030 Agenda to local contexts. *Sustainability*, 13(8), 4435.
- [55] Springer, J., Campese, J. and Nakangu, B. (2021). The natural resource governance framework improving governance for equitable and effective conservation. Gland, Switzerland: IUCN.
- [56] Tarmohammadi Ghorchi, Z., Abdollahzadeh, G., Sharifzadeh, M. and Ghezel, V. (2020). Feasibility investigation of good governance in the participatory water management in Aqqal county. *Journal of Water Research in Agriculture*, 34.2(2), 287-300.
- [57] Teye, J.K. (2011). Ambiguities of forest management decentralization in Ghana. *Journal of Natural Resources Policy Research*, 3(4), 355-369.
- [58] Thompson, J. (1995). Participatory approaches in government bureaucracies: Facilitating the process of institutional change. *World development*. 23(9), 1521-1554.
- [59] Thondhlana, G., Shackleton, S. and Blignaut, J. (2015). Local institutions, actors, and natural resource governance in Kgalagadi Transfrontier Park and surrounds, South Africa. *Land Use Policy*, 47, 121-129.
- [60] Toderi, M., Francioni, M., Seddaiu, G., Roggero, P.P., Trozzo, L. and D'Ottavio, P. (2017). Bottom-up design process of agri-environmental measures at a landscape scale: Evidence from case studies on biodiversity conservation and water protection. *Land Use Policy*, 68, 295-305.
- [61] Tost, M., Hitch, M., Chandurkar, V., Moser, P. and Feiel, S. (2018). The state of environmental sustainability considerations in mining. *Journal of cleaner production*, 182, 969-977.
- [62] Wilson, E. and Stammer, F. (2016). Beyond extractivism and alternative cosmologies: Arctic communities and extractive industries in uncertain times. *The Extractive Industries and Society*, 3(1), 1-8.
- [63] Yeganegi, S., Alvani, S. and Memarzadeh, G. (2016). Ranking indicators of good governance in effective organizations (Case Study: branches of Refah bank in Qazvin Province). *Public Policy In Administration*, 7(21), 1-9.
- [64] Zabihzadeh, E., Sayyad Shirkosh, S. and Haghshenas Kashani, F. (2021). Designing a collaborative governance model with a combined approach: context of electricity demand side management in Iran. *Strategic Studies of public policy*, 11(40), 184-208.

- [65] Zandrazavi, S.B., Khaniki, H., Nasrallah, A. and Bustani, D. (2018). Request for participatory governance and sustainability of water resources Qualitative study of communication perception of groundwater beneficiaries in Rafsanjan plain. *Iranian Journal of Social Studies*, 12(4), 66-44.
- [66] Ziaee, M. and Asadian Ardakani, F. (2021). A framework for leveling good governance factors in the sustainable development of tourism destinations (case study: Maybod city). *Spatial Planning*, 11(1), 1-26.

An analysis of rangeland beneficiaries' perceptions of participatory governance in rangelands (Case study: Rangelands of Aq Qala City, Golestan Province)

- ❖ **Seyedeh Khadijeh Mahdavi**; Assistant Prof. of Department of Natural Resource, Nour Branch, Islamic Azad University, Nour, Iran.
- ❖ **Maedeh Yousefian***; Research Assistant Prof., Forests and Rangelands Research Department, Mazandaran Agricultural and Natural Resources Research and Education Center, Agricultural Research, Education and Extension Organization (AREEO), Sari, Iran.
- ❖ **Mohammad Reza Shahraki**; Expert of General Department of Natural Resources and Watershed Management of Golestan Province, Gorgan, Iran.
- ❖ **Reza Ourmarz**; Expert of General Department of Natural Resources and Watershed Management of Golestan Province, Gorgan, Iran.

Abstract

The need to decentralize government at the local level can guarantee the participation of rangeland beneficiaries. So, the present study has analyzed the perceptions of rangeland beneficiaries of participatory governance in Incheh salt marshes in Golestan province. The research is descriptive-survey and statistical population consists of 120 beneficiaries, 92 of whom were selected as the sample size. The questionnaire was the main tool of data collection and participatory governance was evaluated with 32 items in the form of 9 components. The validity of the questionnaire was obtained by experts and its reliability was obtained by calculating the Cronbach's alpha coefficient. Statistical calculations based on SPSS25. The results showed that the "implementation" and "conflict resolution" with the highest and "planning" and "coordination" with the lowest were at the highest and lowest levels of governance index, respectively. On the other hand, according to the average obtained in the participatory governance index (3.58), the tendency of governance is toward community-oriented management. There was a positive and significant relationship between the variables of livestock history, number of livestock, age, annual income and the tendency to rule in the rangeland. According to the obtained results and also the importance of rangeland governance, the involvement of beneficiaries in the preparation of rangeland plans and projects and the use of their rich native knowledge, holding classes in line with the cooperative activities of beneficiaries with the Department of Natural Resources and Watershed Management as a representative of the government are the most important suggestions of this research.

Keywords: Aq Qala, Beneficiaries, Governance, Government, Participation, Sustainable management.